

محله شهید بهشتی برای بابک گوهرزاده هنوز رنگ و بوی دهه ۶۰ را دارد

خانه مان زمین فوتبال بود



○ خانه پدری ام روبه روی کوچه امیرکبیر ۲۵ بود و چون حیاط بزرگی داشت، بیشتر اوقات بچه ها به خانه ما می آمدند تا فوتبال بازی کنیم. با وجود سروصدای زیاد مان پدر و مادرم مخالفتی با این موضوع نداشتند.



ایستگاه اول

نجمه موسوی زاده در دهه ۶۰ در کوچه پس کوچه های محله شهید بهشتی قد کشیده است: محله ای که هنوز هم پراش بوی گذشته می دهد. جالب ترین نکته برای بابک گوهرزاده، این است که با وجود گذشت سال ها، بافت محله تقریباً دست نخورده باقی مانده است؛ خیابان ها همان رنگ و بوی چهل سال قبل را دارند و بسیاری از ساکنان و کسبه، اگر هنوز در قید حیات باشند، همچنان در همان خانه ها و مغازه ها زندگی و کار می کنند. اومی گوید محله شهید بهشتی بافتی عمدتاً مسکونی دارد و مغازه های آن تنها در حد تأمین نیازهای روزمره اهالی فعال هستند. همین اصالت و سادگی، محله را برای گوهرزاده زنده نگه داشته است؛ تا جایی که حتی پس از ازدواج نیز حاضر نشده است محل زندگی اش را تغییر دهد.

ایستگاه دوم

○ یادم است چهارده ساله بودم که زمین خوردم و دستم شکست. فکر نمی کردم جدی باشد؛ بنا بر این بدون اینکه به خانواده بگویم، به درمانگاه حیان بین میدان شهید کوشه ای و خیابان امیرکبیر آمدم تا دستم را پانسمان کنند. ولی آن ها با پدرم تماس گرفتند و گفتند باید مرا به بیمارستان امام رضا (ع) ببرند تا دستم گچ گرفته شود.



ایستگاه چهارم

ایستگاه سوم

○ در بچگی به دبستان همت روبه روی کوچه شهید نامجو ۹ می رفتم؛ الان اثری از مدرسه نیست و تبدیل به پژوهش سرای فرهنگ و هنر و ادب پارسی شده است. آن موقع پلیس مدرسه بودم و قبل از اینکه زنگ آخر بخورد، پرچمی را در خیابان می گذاشتیم تا ماشین ها آهسته حرکت کنند و بچه ها بتوانند از خیابان رد شوند.



ایستگاه پنجم

○ زنگ های ورزش، ما را به مجموعه ورزشی شهید دکتر بهشتی در حاشیه بولوار شهیدان خلیلی می آوردند. تنها فرقی که با آن موقع دارد، این است که زمین چمن طبیعی، حالا مصنوعی شده است.



○ در انتهای خیابان دکتر بهشتی، مقابل دبیرستان شهید عبدا... نژاد کنونی، شیب زمین آن قدر زیاد بود که با بچه های محله برای دو چرخه سواری به این مکان می آمدم. دو چرخه سواری روی شیب زمین برایمان شبیه پارکور بود و هیجان زیادی داشت. آن قدر کیف می داد که گاهی مسابقه هم بین خودمان برگزار می کردیم.

○ حسین محمدی، مغازه تعمیر قطعات خودرو در حاشیه خیابان امیرکبیر دارد. یادم است اولین ماشینی که خریدم رنو بود و هر وقت ماشین را برای تعمیر می آوردم، حسین آقا علاوه بر اینکه تعمیرش می کرد، آموزش هم می داد. به همین دلیل گاهی خودم آچار برمی داشتم و ماشین را تعمیر می کردم.



عکس: نجمه موسوی زاده/شهرآرامش